

# فهرست

- ٥ ..... آدَرَسُ الْأَوَّلُ: مَرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ
- ١٨ ..... آدَرَسُ الثَّانِي: الْغُبُورُ الْأَمِينُ
- ٢٨ ..... آدَرَسُ الثَّلَاثِ: حِسْرَةُ الصَّدَاقَةِ
- ٣٧ ..... آدَرَسُ الرَّابِعِ: الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ
- ٤٦ ..... آدَرَسُ الْخَامِسِ: الرَّجَاءُ
- ٥٤ ..... • آزمون های نیمسال اول
- ٦٠ ..... آدَرَسُ السَّادِسِ: تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ
- ٦٩ ..... آدَرَسُ السَّابِعِ: ثَمَرَةُ الْجِدِّ
- ٧٨ ..... آدَرَسُ الثَّامِنِ: حَوَارِزُ بَيْنِ الزَّائِرِ وَسَائِقِ سَيَارَةِ الْأَجْرَةِ
- ٨٦ ..... آدَرَسُ التَّاسِعِ: نُصُوصُ حَوْلِ الصَّحَّةِ
- ٩٤ ..... آدَرَسُ الْعَاشِرِ: الْأَمَانَةُ
- ١٠٣ ..... • آزمون های نیمسال دوم
- ١١٢ ..... • آزمون های هماهنگ استان تهران
- ١١٨ ..... • پاسخنامه تشریحی



در این درس قواعد درس‌های کلاس هفتم و هشتم به همراه تمرین‌های متنوع، دوره و مرور می‌شود.

## واژه‌شناسی

**توجه** در بحث واژه‌شناسی و لغت‌نامه که در زبان عربی «الْمُعْجَم» و در انگلیسی «Dictionary» نام دارد برای یادگیری بهتر، فعل‌ها، اسم‌ها و حرف‌ها جداسازی شده است؛ چرا که در زبان عربی کلمه بر ۳ قسم است: اسم، فعل و حرف. روبه‌روی برخی واژه‌ها توضیح کوتاهی آمده است؛ مثلاً این که فلان اسم، مصدر، مفرد، مثنی یا جمع است، این فعل، چه زمانی دارد و ...

### فعل

إِتَدَأَ: شروع شد (فعل ماضی)، یَبْتَدِئُ (فعل مضارع)  
 دَرَسَ: درس داد (فعل ماضی)، یُدْرَسُ (فعل مضارع)  
 سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید (فعل ماضی)، یَسْأَلُ (فعل مضارع)  
 تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد (فعل ماضی)، یَتَخَرَّجُ (فعل مضارع)  
 زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد (فعل ماضی)، یَزِيدُ (فعل مضارع)

### اسم

بَنین: پسران (مفرد آن ← اِبن)  
 جُلوس: نشستن (مصدر)  
 دِرَاسِی: تحصیلی  
 عام: سال  
 کِتَابَة: نوشتن (مصدر)  
 مَرْحَمَة: مهربانی (مصدر)  
 تَلَامِید: دانش‌آموزان (مفرد آن ← تَلْمِید)  
 دِرَاسَة: تحصیل، درس خواندن (مصدر)  
 صِعب: سختی‌ها (مفرد آن ← صَعْب)  
 عامّ دِرَاسِی: سال تحصیلی  
 قِیام: برخاستن (مصدر)

### حرف

ها: هان



## أَهْلًا وَسَهْلًا

خوش آمدید

خوش آمدید

يَبْتَدِئُ	الْعَامَ	الدَّرَاسِيَّ	الْجَدِيدُ.	يَذْهَبُ	الطُّلَّابُ	و	الطَّالِبَاتِ	إِلَى	الْمَدْرَسَةِ	بِقَرَحٍ؛
شروع می‌شود	سال	تحصیلی	جدید	می‌رود [می‌روند]	دانش‌آموزان [پسر]	و	دانش‌آموزان [دختر]	به	مدرسه	با خوشحالی
سال تحصیلی جدید شروع می‌شود. دانش‌آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می‌روند؛										

هُمْ	يَحْمِلُونَ	حَقَائِبَهُمْ؛	السُّوَارِعُ	مَمْلُوءَةٌ	بِالْبَنِينَ	و	النِّبَاتِ.
آن‌ها	حمل می‌کنند (می‌برند)	کیف‌هایشان	خیابان‌ها	پراز	پسران	و	دختران [است]
آن‌ها کیف‌هایشان را [با خود] حمل می‌کنند؛ خیابان‌ها پر از پسران و دختران است.							

يَبْتَدِئُ	فَضْلُ	الدَّرَاسَةِ	وَ	الْقِرَاءَةِ	وَ	الْكِتَابَةِ	وَ	فَضْلُ	الصَّدَاقَةِ	بَيْنَ	التَّلَامِيذِ.
شروع می‌شود	فصل	درس خواندن	و	خواندن	و	نوشتن	و	فصل	دوستی	میان	دانش‌آموزان
فصل تحصیل، خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان آغاز می‌شود.											

بِسْمِ	اللَّهِ	الرَّحْمَنِ	الرَّحِيمِ
به نام	خداوند	بسیار بخشنده	مهربان
با نام خداوند بسیار بخشنده مهربان [تحصیل را شروع می‌کنم].			

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	كَلَامِي	أَذْكُرُ	رَبِّي	عِنْدَ	قِيَامِي
شروع می‌کنم	با نام	خداوند	سخنم [را]	یاد می‌کنم	پروردگارم [را]	هنگام	برخاستنم
سخنم را با نام خداوند شروع می‌کنم.				هنگام برخاستنم پروردگارم را یاد می‌کنم.			

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	دُرُوسِي	أَذْكُرُ	رَبِّي	عِنْدَ	جُلُوسِي
شروع می‌کنم	با نام	خدا	درس‌هایم [را]	یاد می‌کنم	پروردگارم [را]	هنگام	نشستنم
درس‌هایم را با نام خدا شروع می‌کنم.				هنگام نشستنم پروردگارم را یاد می‌کنم.			

أَقْرَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	كِتَابِي	أَسْأَلُ	رَبِّي	حَلَّ	صَبَاحِي
می‌خوانم	با نام	خدا	کتابم [را]	درخواست می‌کنم	[از] پروردگارم	حل	سختی‌هایم
کتابم را با نام خدا می‌خوانم.				حل سختی‌هایم را از پروردگارم درخواست می‌کنم.			

مَكْتَبِنَا	نُورٌ	وَ	حَيَاةٌ	فِيهِ	دُعَاءٌ،	فِيهِ	صَلَاةٌ
آیین ما	روشنایی	و	زندگی [است]	در آن	دعا [است]	در آن	نماز [است]
آیین (دین) ما [سراسر] روشنایی و زندگی است.				در آن دعا است، در آن نماز است.			

فِيهِ	عُلُومٌ،	فِيهِ	كَمَالٌ	فِيهِ	كُنُوزٌ،	فِيهِ	جَمَالٌ
در آن	دانش‌ها [است]،	در آن	کمال [است]	در آن	گنج‌ها [است]،	در آن	زیبایی [است]
در آن دانش‌ها است، در آن رشد و کمال است.				در آن گنج‌ها است، در آن زیبایی است.			

يَتَخَرَّجُ	مِنْهُ	الْعُلَمَاءُ	وَ	يُدْرَسُ	فِيهِ	الْحِكْمَاءُ
دانش‌آموخته می‌شود [می‌شوند]	از آن	اندیشمندان	و	درس می‌دهد [می‌دهند]	در آن	داناان
اندیشمندان از آن [آیین] دانش‌آموخته می‌شوند.				و داناان در آن درس [داناایی و زندگی] می‌دهند.		

ها	كُتِبِي	أَنْوَأْ	سَمَائِي	مَرْحَمَةٌ،	كَنْزٌ،	كِدَوَائِي
هان	کتاب‌هایم	روشنایی‌های	آسمانم [هستند]	مهربانی،	گنج،	مانند دارویم [هستند]
هان [آگاه باش که]، کتاب‌هایم روشنایی‌های آسمان [زندگی‌م] هستند.			[آری] مهربانی و گنج [هستند] و مانند دارویم [هستند].			
أَبْدًا	بِاسْمِ	اللَّهِ	أُمُورِي	فَاسْمُ	إِلَهِي،	شُرُورِي
شروع می‌کنم	با نام	خدا	کارهایم [را]	بنابراین، نام	خدایم،	خوشحالیم [را]
کارهایم را با نام خداوند آغاز می‌کنم.			بنابراین [در آغاز هر کاری] نام خدایم خوشحالیم را افزایش می‌دهد [افزایش داد].			

آشنایی با قواعد و ساختار کلمه

۱ اگر بخواهیم به موجودات اطراف خود اشاره کنیم، از واژه‌های زیر استفاده می‌کنیم:

هَذَا	هَذِهِ	هَذَانِ	هَؤُلَاءِ	ذَلِكَ	تِلْكَ	أُولَئِكَ	هُنَا	هُنَاكَ
این	این	این‌ها	این‌ها، این	آن	آن	آن‌ها	این‌جا	آن‌جا

مانند < هذا كتاب > (این کتاب است) هاتانِ الطَّالِبَتَانِ ذَكِيَّتَانِ. (این دو دانش‌آموز، باهوش هستند) تِلْكَ الْمَدْرَسَةُ بَعِيدَةٌ. (آن مدرسه، دور است) انسان موجودی است پرسشگر و سؤال‌کننده؛ بر این اساس اگر بخواهیم در مورد موجودات، وجود داشتن یا نداشتن‌شان و کارهایی که انجام می‌دهند بپرسیم، از واژه‌های زیر استفاده می‌کنیم:

أَيُّ	هَلْ	مَنْ	مَا	أَيْنَ	مَتَى	كَيْفَ	كَمْ	أَيُّ	مَاذَا	لِمَاذَا	مِنْ أَيْنَ	إِلَى أَيْنَ
آیا	آیا	چه کسی	چه چیزی	کجا	کی، چه وقت	چه طور، چگونه	چند، چه قدر	کدام	چه	چرا	از کجا	به کجا
لِمَنْ	مِنْ أَيْ	فِي أَيْ	لِمَ	بِمَ								
مال چه کسی؟، مال چه کسانی؟	از کدام	در کدام	چرا	با چه چیزی								

مانند < هَلْ كَتَبْتَ؟ > (آیا نوشتی؟) كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چه‌طور است؟) لِمَ خَرَجْتُمْ؟ (چرا بیرون رفتید؟) فِي أَيِّ مَدِينَةٍ تَعِيشُونَ؟ (در کدام شهر زندگی می‌کنید؟)

۳ در برخی موارد که نمی‌خواهیم اسم کسی یا چیزی را مستقیماً یاد کنیم از اسم دیگری که جانشین آن شده است بهره می‌بریم؛ یعنی از «ضمیر» استفاده می‌کنیم. به عبارت دیگر، ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود؛ بنابراین ضمیر باید از نظر تعداد و جنسیت (مذکر یا مؤنث بودن) با اسمی که جانشین آن شده است، هماهنگی و هم‌خوانی داشته باشد. ضمیرها در زبان فارسی و عربی دو گونه‌اند: ضمیرهای جدا (منفصل)، ضمیرهای پیوسته به کلمه قبل از خود (متصل).

ضمیرهای جدا (منفصل) در زبان فارسی

من، تو، او / ما، شما، ایشان (آن‌ها)

ضمیرهای جدا (منفصل) در زبان فارسی و معادل آن در زبان عربی

من (أَنَا)	تو (أَنْتَ، أَنْتِ)	او (هُوَ، هِيَ)
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر مؤنث
ما (نَحْنُ)	شما (أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ)	ایشان (هُمَ، هُنَّ)
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر و مؤنث



### ضمیرهای پیوسته (متصل) در زبان فارسی

م... ، ...ت ، ...ش / ...مان ، ...تان ، ...شان

### ضمیرهای پیوسته (متصل) در زبان فارسی و معادل آن در زبان عربی

...م (ی)	...ت (ک، لک)	...ش (ه، ها)
↓	↓	↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر مؤنث

...مان (نا)	...تان (کما، کم، کُنْ)	...شان (هما، هم، هُنْ)
↓	↓	↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر و مؤنث

**یادآوری ۱** اسم‌های اشاره و ضمیرها از نظر جنسیت به دو دسته مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند. به عنوان مثال:

هذا، ذلک، هُو، هُم، أَنْت، أَنْتُمْ ← برای مذکر استفاده می‌شود. هذه، تِلْک، هِی، هُنْ، أَنْتِ، أَنْتُنَّ ← برای مؤنث استفاده می‌شود.

بنابراین (هَذَا الْمُدْرَسَةُ، تِلْكَ الْقَلَمُ، هِيَ طَالِبٌ، أَنْتِ طَبِيبٌ) نادرست و (هَذِهِ الْمُدْرَسَةُ، ذَلِكَ الْقَلَمُ، هُوَ طَالِبٌ، أَنْتِ طَبِيبَةٌ) درست است.

**یادآوری ۲** در زبان عربی به دلیل این که میحث «مذکر و مؤنث» و نیز «مثنی» مطرح است، ضمیرها در ۱۴ شکل ظاهر می‌شوند ولی در زبان

فارسی به دلیل مطرح نبودن «مذکر و مؤنث» و «مثنی» در ۶ شکل اجرا می‌شوند: (من - تو - او - ما - شما - آن‌ها «ایشان»)

**۴** یکی از ارکان مهم یک جمله، «فعل» است. فعل، کلمه‌ای است که انجام‌دادن کار یا حالت کسی یا چیزی را در یکی از زمان‌های ماضی، مضارع و مستقبل بیان می‌کند.

#### تقسیم فعل از نظر زمان

زمان‌های فعل عبارت‌اند از:

ماضی مثبت، ماضی منفی، مضارع مثبت، مضارع منفی، مستقبل (آینده).

**الف ماضی مثبت:** فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان گذشته (ماضی) و ساختار آن عبارت است از:

#### بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

آشکار است که از مصدر (که مکان صدور و تولید فعل است) فعل ماضی ساخته می‌شود. به عنوان مثال از مصدر کِتَابَةٌ (نوشتن)، دَهَاب (رفتن) و سُؤَالَ (پرسیدن)، فعل‌های کَتَبَ (نوشت)، دَهَبَ (رفت) و سَأَلَ (پرسید) تولید می‌شود.

**ب ماضی منفی:** فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام نشدن کار در زمان گذشته (ماضی) و ساختار آن عبارت است از:

#### ما + بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

ما دَهَبْتُ	ما كَتَبْنَا	ما خَرَجْنَا	ما مَلَكْتُ
↓	↓	↓	↓
نرفتم	ننوشتیم	خارج نشدید	فرمانروا نشدی

**ج مضارع مثبت:** فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان حال، و ساختار آن عبارت است از:

#### حروف مضارعه (یا حروف «تینا») ← (ی - ت - ا - ن) + بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

يَكْتُبُ	تَعْرِفُونَ	أَدْرِكُ	نَعْلَمُ	يَضْحَكُنَّ	يَزُرُّعَانِ	تَزْرَعِينَ
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
می‌نویسد	می‌شناسید	یاد می‌کنم	می‌دانیم	می‌خندند	می‌کارند	بازمی‌گردید

د مضارع منفی: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام‌نشدن کار در زمان حال و ساختار آن عبارت است از:

لا + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

لا يَكْذِبُ	لا تَطْلُمُ	لا تَعْمَلِينَ	لا تَخْدِمُونَ	لا نَجْمَعُ
↓	↓	↓	↓	↓
دروغ نمی‌گوید	ستم نمی‌کنی، ستم نمی‌کند	کار نمی‌کنی	خدمت نمی‌کنید	جمع نمی‌کنیم

ه مستقبل: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام‌یافتن کار در زمان آینده (دور یا نزدیک) و ساختار آن عبارت است از:

س + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]  
سَوْفَ + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

سَأَصِيرُ	سَوْفَ أَكْتُبُ	سَتَعْمَلُ	سَوْفَ تُفَحِّصِينَ	سَتَفْرَحُنَ
↓	↓	↓	↓	↓
خواهم شد	خواهم نوشت	انجام خواهی داد، انجام خواهد داد	معاینه خواهی کرد	شاد خواهید شد

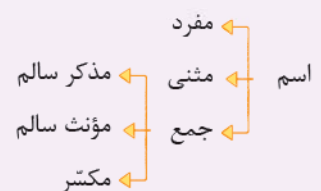
### ۶ شکل و ساختار فعل در زبان فارسی و ۱۴ شکل معادل آن در زبان عربی

فعل نیز همانند ضمیر، از نظر شکل و ساختار در زبان فارسی ۶ حالت دارد (اول‌شخص مفرد، دوم‌شخص مفرد، سوم‌شخص مفرد، اول‌شخص جمع، دوم‌شخص جمع، سوم‌شخص جمع) ولی در زبان عربی به دلیل وجود مثنی (میان مفرد و جمع) و نیز جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) ۱۴ حالت وجود دارد.

به عنوان مثال، از مصدر «نوشتن = الْكِتَابَةُ» ۶ صیغهٔ ماضی فارسی و معادل عربی آن این‌گونه است:

عربی	مفرد		مثنی		جمع	
	مذکر	مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر	مؤنث
نوشتم	كَتَبْتُ	كَتَبْتُ				
نوشتی	كَتَبْتَ	كَتَبْتِ				
نوشت	كَتَبَ	كَتَبَتْ				
نوشتیم			كَتَبْنَا	كَتَبْنَا	كَتَبْنَا	كَتَبْنَا
نوشتید			كَتَبْتُمَا	كَتَبْتُمَا	كَتَبْتُمْ	كَتَبْتُنَّ
نوشتند			كَتَبُوا	كَتَبْنَا	كَتَبُوا	كَتَبْنَ

ه اسم نیز مانند فعل از نظر تعداد و جنسیت اقسامی دارد که عبارت‌اند از:



مفرد: اسمی است که بر یک موجود دلالت می‌کند و علامت خاصی ندارد. مانند: اللَّهُ، كِتَابٌ، قَلَمٌ، ذُنْبٌ، فُرُخٌ، جَبَلٌ، تَلْمِيذَةٌ، كَاتِبَةٌ



**مثنی:** اسمی است که بر دو موجود دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ان - ین) در آخر اسم مفرد ساخته می‌شود. **مانند** < حَدَادَانِ - حَدَادَيْنِ -

کَاتِبَانِ - کَاتِبَيْنِ - مَرْزَعَتَانِ - مَرْزَعَتَيْنِ - شَجَرَتَانِ - شَجَرَتَيْنِ - مُعَلِّمَتَانِ - مُعَلِّمَتَيْنِ - يَدَانِ - يَدَيْنِ

**جمع مذکر سالم:** اسمی است که بر بیش از دو موجود (مذکر) دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ون - ین) در آخر اسم مفرد مذکر ساخته می‌شود.

**مانند** < مُسَلِّمُونَ - مُسَلِّمِينَ - مُعَلِّمُونَ - مُعَلِّمِينَ - لَاعِبُونَ - لَاعِبِينَ

**جمع مؤنث سالم:** اسمی است که بر بیش از دو موجود (مؤنث) دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ات) در آخر اسم مفرد مؤنث ساخته می‌شود.

**مانند** < مُسَلِّمَات - مُؤْمِنَات - فَرِحَات - ضَاحِكَات - مَسْرُورَات

**جمع مکسر:** اسمی است که بر بیش از دو موجود دلالت می‌کند و قاعده و معیار خاصی برای ساختن آن وجود ندارد، به بیان دیگر ساختار مفرد آن

شکسته می‌شود (مُکَسَّر - شکسته‌شده) و وزن خاصی ندارد و باید این گونه جمع‌ها را به ذهن سپرد، مانند: زُوَّار (جمع زائر) - غُرْلَان (جمع غزاله) -

خَوَانِج (جمع حَاجَة) - جِبَال (جمع جَبَل) - أَقْرِبَاء (جمع قَرِيب) - دُنُوب (جمع ذَنْب) - ذُنَاب (جمع ذَنْب) - مَلَاعِب (جمع مَلْعَب) - أَقْمَار (جمع قَمَر)

**توجه** << هرگاه با اسمی که جمع مکسر است روبه‌رو شدیم، باید به سه موضوع توجه کنیم:

**الف** مفرد جمع مکسر چیست؟

**ب** ترجمه و معنای آن چیست؟

**ج** آیا جمع مکسر در مورد انسان است یا غیرانسان؟

**د** باید به انواع «ما» توجه کنیم:

انواع «ما» << «ما»ی پرسشی << کلمه‌ای پرسشی است به معنای «چه چیزی؟» و در واقع اسم است << اسم استفهام

<< «ما»ی نفی << کلمه‌ای است که پیش از فعل ماضی می‌آید و آن را منفی می‌کند و در واقع حرف است << حرف نفی

ما هذا؟ (این چیست؟)

ما تِلْكَ يَمِينِكَ يا موسى؟ (ای موسی، در دست راست چیست؟)

ما خَرَجْتَ. (خارج نشدی.)

ما سَمِعْنَا. (نشنیدیم.)

**۷** اگر بخواهیم عبارتی را بسازیم که اول اسم بیاید و سپس فعل؛ باید میان اسم و فعل (که اصطلاحاً نهاد و گزاره یا مبتدا و خبر نام دارد.) از

نظر صیغه، تعداد (مفرد، مثنی و جمع) و جنسیت (مذکر و مؤنث) هماهنگی وجود داشته باشد.

الْتَّلْمِذُ مَا رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ. << (نادرست) / الْتَّلْمِذُ مَا رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ. << (درست)

الْتَّلَامِذُ يَكْتُبُونَ دُرُوسَهُنَّ. << (نادرست) / الْتَّلَامِذَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ. << (درست)

أَنْتُمْ نَصْرْتُمْ أَصْدِقَاءَكُمْ. << (نادرست) / أَنْتُمْ نَصْرْتُمْ أَصْدِقَاءَكُمْ. << (درست)

الْأَعْدَاءُ هَرَبُوا مِنَ الْحَرْبِ. << (نادرست) / الْأَعْدَاءُ هَرَبُوا مِنَ الْحَرْبِ. << (درست)

**۸** آشنایی با برخی از واژه‌ها که دانستن آن‌ها کاربرد بیشتری در مکالمه و زندگی دارد:

**الف روزهای هفته:** السَّبْت (شنبه) - الأَحَد (یک‌شنبه) - الأَثْنَيْن (دوشنبه) - الأَثَلَاء (سه‌شنبه) - الأَرْبَع (چهارشنبه) - الأَخْمِيس (پنج‌شنبه) -

الْجُمُعَة (جمعه)

**ب فصل‌ها:** الرِّبِيع (بهار) - الصَّيْف (تابستان) - الخَرِيف (پاییز) - الشِّتَاء (زمستان)

**ج رنگ‌ها:** الأَبْيَض (سفید) - الأَسْوَد (سیاه) - الأَحْمَر (قرمز) - الأَزْرَق (آبی) - الأَخْضَر (سبز) - الأَصْفَر (زرد)

**د قید زمان و مکان:** الأَيُّوم (امروز) - الأَمْس (دیروز) - غَد (فردا) - صَبَاح (صبح) - مَسَاء (عصر، شب) - لَيْل (شب) - نَهَار (روز) - قَبْل (پیش) -

بَعْد (پس) - عِنْد (نزد) - أَمَام (روبه‌رو) - جَنْب (کنار)

**ه شغل‌ها:** حَدَاد (آهنگر) - نَجَّار (نجار) - مُمَرِّضَة (پرستار) - كَاتِب (نویسنده) - مُوَطَّف (کارمند) - عَامِل (کارگر) - خَبَّاز (نانوا) -

خَلْوَانِي (شیرینی‌فروش) - شُرْطِي (پلیس) - خِيَاطَة (خیاط) - طَبِيبَة (پزشک) - طَبَاخَة (آشپز) - فَلَاحَة (کشاورز) - مُدَرِّس (معلم) - أَسْتَاذ (استاد)

**۹ اعداد اصلی:** واحد (یک) - اِثْنَان (دو) - ثَلَاثَة (سه) - أَرْبَعَة (چهار) - خَمْسَة (پنج) - سِتَّة (شش) - سَبْعَة (هفت) - ثَمَانِيَة (هشت) - تِسْعَة

(نه) - عَشْرَة (ده) - أَحَدَعَشْر (یازده) - اِثْنَاعَشْر (دوازده)

ز اعداد ترتیبی: الأول - الأولى (یکم) - الثاني (دوم) - الثالث (سوم) - الرابع (چهارم) - الخامس (پنجم) - السادس (ششم) - السابع (هفتم) - الثامن (هشتم) - التاسع (نهم) - العاشر (دهم) - الحادي عشر (یازدهم) - الثاني عشر (دوازدهم)

### پرسش‌های درس اول

۱ ترجمه ناقص عبارت‌های زیر را کامل کنید.

- ۱ یک ساعت فکر کردن .....
- ۲ غریب کسی است .....
- ۳ آرامگاه امام .....
- ۴ صبحانه غذایی .....
- ۵ اشک‌ها قطره‌هایی .....
- ۶ مسواک .....
- ۷ دو خواهر سخن معلم را .....
- ۸ من به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا .....
- ۹ ما برای حفظ پاکیزگی طبیعت .....
- ۱۰ تو آهنگر هستی .....
- ۱۱ بیشتر گناهان آدمیزاد .....
- ۱۲ قطعاً خدا زیباست .....
- ۱۳ هیچ خبری در سخنی نیست .....
- ۱۴ هر کس دانشی را پنهان کند، .....
- ۱۵ سال تحصیلی .....
- ۱۶ از پروردگارم حلّ .....
- ۱۷ پس نام معبودم .....
- ۱۸ مکتب ما روشنایی و زندگی .....
- ۱۹ دانشمندان از آن دانش‌آموخته .....
- ۲۰ دورهٔ درس‌های .....

۱ «تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.»

۲ «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.»

۳ «مَرْقَدُ الْإِمَامِ السَّابِعِ وَالتَّاسِعِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الْكَاطِمِيَّةِ.»

۴ «الْفَطْوَرُ طَعَامٌ تَأْكُلُهُ فِي الصَّبَاحِ.»

۵ «الدَّمُوعُ قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ.»

۶ «الْفُرْشَاءُ شَيْءٌ لِحِفْظِ صِحَّةِ الْأَسْنَانِ.»

۷ «الْأُخْتَانِ سَمِعْنَا كَلَامَ الْمُعَلِّمَةِ وَهُمَا تَعْمَلَانِ بِهِ.»

۸ «لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ.»

۹ «نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْجَبَلِ لِحِفْظِ نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.»

۱۰ «أَنْتَ حَدَادٌ. تَصْنَعُ الْأَبْوَابَ وَ النَّوَافِذَ.»

۱۱ «أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ.»

۱۲ «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ.»

۱۳ «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.»

۱۴ «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، فَكَانَتْهُ جَاهِلٌ.»

۱۵ «ابْتَدَأْتُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ.»

۱۶ «أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي.»

۱۷ «فَأَسْمُ إِلَهِي زَادٌ سُرُورِي.»

۱۸ «مَكْتَبُنَا نَوْزٌ وَ حَيَاةٌ فِيهِ دُعَاءٌ فِيهِ صَلَاةٌ.»

۱۹ «يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ وَ يُدْرَسُ فِيهِ الْحُكْمَاءُ.»

۲۰ «أُحِبُّ مُرَاجَعَةَ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ.»

۲ عبارت‌های زیر را بخوانید، سپس ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱ «ابْتَدَأْتُ فَضْلَ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةَ وَ الْكِتَابَةَ وَ فَضْلَ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.»

**الف:** فصل درس و خواندن و نوشتن و فصل راستگویی دانش‌آموزان آغاز شد.

**ب:** فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان آغاز شد.

۲ «أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي.»

**الف:** پروردگارم را هنگام نشستن یاد خواهم کرد.

**ب:** پروردگارم را هنگام نشستنم یاد می‌کنم.

۳ «كُرَّةُ الْقَدَمِ رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا.»

**الف:** فوتبال ورزشی است که یازده بازیکن در آن بازی می‌کنند.

**ب:** فوتبال تمرینی است که یازده نفر در آن بازی می‌کنند.





۴ «الْغُرَابُ طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصَّوْتِ.»

**الف:** بلبل پرنده‌ای است خوش‌رنگ که صدای زیبایی دارد.

**ب:** کلاغ پرنده‌ای است سیاه‌رنگ که خوش‌صدا نیست.

۵ «غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.»

**الف:** نهایت عقل اعتراف به نادانی است.

**ب:** نهایت عقل برطرف کردن نادانی است.

۶ «أَنْتِ طَبِيبَةٌ تَمُخِّصِينَ الْمَرَضَى بِدِقَّةٍ.»

**الف:** تو پزشک هستی [و] بیماران را با دقت تمام معاینه می‌کنی.

**ب:** تو پزشکی هستی که بیماران را با معاینه می‌شناسی.

**ج:** تو پزشک هستی که بیماران را با دقت تمام معاینه می‌کنی.

۷ «الْعَرَبِيَّةُ لُغَةٌ دِينِنَا وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِهَا.»

**الف:** عربی زبان دینی ماست و ما سخت نیازمند یادگیری آن هستیم.

**ب:** عربی زبان دین ماست و ما نیازمند یادگیری آن هستیم.

**ج:** زبان عربی زبان دین ماست و انسان‌های نیازمند به آن فراوانند.

۸ «أَأَنْتِ تَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟»

**الف:** آیا تو معنی آیدها و احادیث آسان را خوب فهمیدی؟

**ب:** آیا تو معنی آیدها و احادیث آسان را می‌فهمی؟

**ج:** آیا تو معنی آیات و احادیث را به آسانی می‌فهمی؟

۹ «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.»

**الف:** هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان نابود می‌شوند.

**ب:** اگر انسان‌های پست مالکیت داشته باشند، دانشمندان هلاک می‌شوند.

**ج:** هرگاه فرومایگان به فرمانروایی رسیدند، خوبان هلاک شدند.

۱۰ «الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامِ كَثِيرٌ الْعَمَلِ.»

**الف:** مؤمن، کم‌سخن [و] همه‌کاره است.

**ب:** مؤمن، کم‌حرف [و] پرکار است.

**ج:** مؤمن کم‌حرف از انسان پرکار بهتر است.

۱۱ «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطَبَ.»

**الف:** به راستی که حسادت نیکی را از بین می‌برد؛ مانند آتشی که محصول را از بین می‌برد.

**ب:** قطعاً حسادت خوبی‌ها را می‌خورد همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

**ج:** گاهی انسان‌های حسود کارهای نیک انجام می‌دهند، همان‌طور که آتش منزلی را گرم می‌کند.

۱۲ «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ.»

**الف:** حتماً رفع نیاز مردم از نعمت‌های خداوند است.

**ب:** نیازهای مردم به نعمت الهی بسیار فراوان است.

**ج:** قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از خداوند است.

۳ عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.

- ۱ «إِبْتَدَأْنَا فَضْلَ الدِّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةَ وَ الْكِتَابَةَ وَ فَضْلَ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.»
- ۲ «لَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَةُ؟»
- ۳ «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»
- ۴ «الْمُسْتَوْصَفُ مَكَانٌ لِفَخْصِ الْمُرْصَى.»
- ۵ «مَنْ يَغْرِفُ حَدِيثًا حَوْلَ قِيَمَةِ الْعِلْمِ؟»
- ۶ «أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.»
- ۷ «إِعْلَمْ يَا صَدِيقِي رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ.»
- ۸ «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.»
- ۹ «أَنْتَنْ نَصْرْتَنْ صَدِيقَاتِكَنْ فِي الشَّدَائِدِ.»
- ۱۰ «إِنَّا قَادِرُونَ عَلَى قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ الْقِصَصِ وَ النُّصُوصِ الْعَرَبِيَّةِ الْبَسِيطَةِ.»
- ۱۱ «يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ.»
- ۱۲ «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ.»
- ۱۳ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.»
- ۱۴ «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ.»

۴ اسم‌های زیر را ترجمه کرده و جمع مکسر آن‌ها را بنویسید.

- |          |            |              |          |
|----------|------------|--------------|----------|
| ۱ صُغْب: | ۲ عام:     | ۳ حَقِيبَةٌ: | ۴ كَنْز: |
| ۵ نور:   | ۶ أَمْر:   | ۷ حَاجَةٌ:   | ۸ جَبَل: |
| ۹ أَخ:   | ۱۰ زَمِيل: |              |          |

۵ فعل‌های زیر را ترجمه کنید.

- |                      |                    |              |                  |
|----------------------|--------------------|--------------|------------------|
| ۱ تَكْتَبِينَ:       | ۲ سَاطَبُخ:        | ۳ عَرَفْنَا: | ۴ هَلْ فِهْمْتِ: |
| ۵ مَا جَاءَتْ:       | ۶ لَا تَأْتِي:     | ۷ يَسْمَعُ:  | ۸ أَ تَصْدُقُ:   |
| ۹ سَوْفَ تَلْعَبْنَ: | ۱۰ اِشْتَرَيْتُمْ: |              |                  |

۶ کلمات نادرست مشخص شده در جمله‌های زیر را اصلاح کنید.

- |   |   |
|---|---|
| ۱ «هَذَا الْبَيْتَانِ صَابِرَتَانِ.»              | ۲ «أَوْلِيكَ الْأَمْهَاتُ جَالِسَةٌ.»                             |
| ۳ «أَيْنَ جَلَسَ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟»             | ۴ «هُنَّ وَصَلُوا إِلَى عُرْفَتِهِمْ.»                            |
| ۵ «هُمَا وَجَدُوا مِفْتَاحَهُمَا.»                | ۶ «الْإِيرَانِيُّونَ حَدَمَنَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا.» |
| ۷ «أَنْتُمْ قَبِلْتُمْ كَلَامَ وَالِدِكِ.»        | ۸ «أَنَا تُحِبُّ طَبَّ الْعَيُونِ.»                               |
| ۹ «هَلْ تَعْرِفُ ذَلِكَ الْمُدْرَسَ يَا أُخْتِي؟» | ۱۰ «الْجَاهِلُ تَكْذِبُ وَ الْعَاقِلُ لَا يَكْذِبُ.»              |

۷ فعل‌های ماضی و مضارع را در عبارت‌های زیر مشخص کنید.

- |   |              |
|---|--------------|
| ۱ «مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ.»                       | مضارع / ماضی |
| ۲ «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.»                             | مضارع / ماضی |
| ۳ «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.» | مضارع / ماضی |
| ۴ «أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي أَذْكَرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي.»      | مضارع / ماضی |
| ۵ «إِشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رِجَالِيَّةً وَ نِسَائِيَّةً مِنَ السُّوقِ.»      | مضارع / ماضی |
| ۶ «أَغْسِلُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.»                             | مضارع / ماضی |
| ۷ «نَحْنُ نَعِيشُ فِي مَدِينَةِ طَهْرَانَ وَ نَذْهَبُ إِلَى الْجَامِعَةِ.»  | مضارع / ماضی |

۸ «الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ.»

۹ «أَنْتِ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أَخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.»

۱۰ «تَرْجِعُ الْأُمَّمُ وَ تَسْأَلُ فِرَاحَهَا: مَاذَا حَدَّثَ؟»

۸ کدام فعل از نظر زمان با بقیه فعل‌ها ناهماهنگ است؟

- |                                   |                                  |                                    |                                     |
|-----------------------------------|----------------------------------|------------------------------------|-------------------------------------|
| جَلَبْتُ <input type="radio"/>    | كَتَمْنَا <input type="radio"/>  | تَجَمَّعُونَ <input type="radio"/> | جَلَسُوا <input type="radio"/> ۱    |
| تَقَذَّفَنَ <input type="radio"/> | عَلِمْنَا <input type="radio"/>  | عَبَّرْتَنَ <input type="radio"/>  | صَبَّرْتُمْ <input type="radio"/> ۲ |
| جَعَلْتَنَ <input type="radio"/>  | تَكْتُبُ <input type="radio"/>   | يَسْمَعْنَ <input type="radio"/>   | أَهْرَبُ <input type="radio"/> ۳    |
| سَمِعْنَا <input type="radio"/>   | أَعْرِفُ <input type="radio"/>   | ذَهَبْتُ <input type="radio"/>     | جَلَسْنَا <input type="radio"/> ۴   |
| صَعِدَنَ <input type="radio"/>    | صَنَعْتُمْ <input type="radio"/> | شَرَحَا <input type="radio"/>      | تَطَرَّفَنَ <input type="radio"/> ۵ |
| أَكَلُوا <input type="radio"/>    | أَمَرَا <input type="radio"/>    | أَسْمَعُ <input type="radio"/>     | أَخَذْنَا <input type="radio"/> ۶   |
| عَمِلْتُ <input type="radio"/>    | عَمِلَ <input type="radio"/>     | عَمَلَا <input type="radio"/>      | أَعْمَلُ <input type="radio"/> ۷    |
| نَقُولُ <input type="radio"/>     | بَقِيَ <input type="radio"/>     | مَضَى <input type="radio"/>        | هَجَرَ <input type="radio"/> ۸      |
| يَقُولُ <input type="radio"/>     | عَاشَا <input type="radio"/>     | كَانُوا <input type="radio"/>      | قُلْتُ <input type="radio"/> ۹      |
| سَأَلْنَا <input type="radio"/>   | أَدْرَسَ <input type="radio"/>   | تَتَخَرَّجُ <input type="radio"/>  | يَبْتَدِئُ <input type="radio"/> ۱۰ |

۹ کدام فعل، مناسب ضمیر داده شده، است؟

- |                                   |                                      |                                   |                                   |
|-----------------------------------|--------------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|
| تَضِيرِينَ <input type="radio"/>  | تَضِيرُ <input type="radio"/> ۱      | تَضِيرُونَ <input type="radio"/>  | أَضِيرُ <input type="radio"/> ۱   |
| تَعِشْنَ <input type="radio"/>    | تَعِشُونَ <input type="radio"/> ۲    | أَعِيشُ <input type="radio"/>     | أَنْتِنَ <input type="radio"/> ۲  |
| أَكَلْتُ <input type="radio"/>    | يَطْلُمَنَّ <input type="radio"/> ۳  | نَسْمَعُ <input type="radio"/>    | هِيَ <input type="radio"/> ۳      |
| قَدَفْنَا <input type="radio"/>   | فَتَحْتُ <input type="radio"/> ۴     | بَغْفِرُونَ <input type="radio"/> | أَنَا <input type="radio"/> ۴     |
| سَمِعَ <input type="radio"/>      | أَمَرَا <input type="radio"/> ۵      | تَفْتَحَنَّ <input type="radio"/> | هُمَا <input type="radio"/> ۵     |
| قَدَرَنَ <input type="radio"/>    | تَخْرُجَنَّ <input type="radio"/> ۶  | تَخْدِمِينَ <input type="radio"/> | هُنَّ <input type="radio"/> ۶     |
| تَرْفَعُونَ <input type="radio"/> | سَأَلْتَنَ <input type="radio"/> ۷   | كَانَا <input type="radio"/>      | أَنْتُمْ <input type="radio"/> ۷  |
| يَبْحَثَانِ <input type="radio"/> | شَاهَدْتُمَا <input type="radio"/> ۸ | عَضَبْتَا <input type="radio"/>   | أَنْتُمَا <input type="radio"/> ۸ |
| حَاوَلْنَا <input type="radio"/>  | تَخَافِينَ <input type="radio"/> ۹   | سَتَرْتُ <input type="radio"/>    | أَنْتِ <input type="radio"/> ۹    |
| أَحْرَسُ <input type="radio"/>    | شَجَّعْتُ <input type="radio"/> ۱۰   | قِيلَ <input type="radio"/>       | هُوَ <input type="radio"/> ۱۰     |

۱۰ زیر هر تصویر، نام آن را به عربی بنویسید.



..... ۳



..... ۲



..... ۱



..... ٤



..... ٥



..... ٤

۱۱ زیر هر تصویر، کاری که انجام می‌شود را به صورت فعل مضارع بنویسید.



..... ٣



..... ٢



..... ١



..... ٤



..... ٥



..... ٤

۱۲ در جای خالی به ترتیب کلمه مناسب بنویسید.

- ١ واحد / ..... / ثلاثة / ..... / خمسة / ..... / سبعة / ..... / تسعة / ..... / أحد عشر / .....
- ٢ الأول / ..... / الثالث / ..... / السادس / ..... / الثامن / ..... / الحادي عشر / .....
- ٣ يوم السبت / ..... / الإثنين / ..... / الأربعاء / ..... / الجمعة / .....
- ٤ ..... / الصيف / .....
- ٥ ألتطور في الصباح / ..... في الظهر / ..... في الليل
- ٦ ضميرهای جدا براساس ساختار زبان عربی: هُوَ / هُم / ..... / هُنَّ / أَنْتِ / ..... / أَنْتُمْ / .....
- ..... / أَنْتُمْ / نَحْنُ
- ٧ ضميرهای پیوسته براساس ساختار زبان عربی: هُمَا / هُمَا / هُنَّ / هُنَّ / كِ / ..... / كِ / .....
- ..... / ي / كُنْ
- ٨ صرف فعل مضارع براساس ساختار زبان عربی: يَتَلَمَّنْ / يَتَلَمَّنْ / تَعَلَّمْ / ..... / تَعَلَّمْ / .....
- تَعَلَّمِينَ / ..... / تَعَلَّمْنَ / تَعَلَّمْ



۱۳ برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب کنید.

- |                 |             |            |          |
|-----------------|-------------|------------|----------|
| تَعَلَّمَ ۱     | أَنْتَ ۱    | هُوَ ۱     | هُنَّ ۱  |
| نَجَحْنَا ۲     | أَنْتُمَا ۱ | نَحْنُ ۱   | أَنَا ۱  |
| لَا تَكْذِبْ ۳  | هِيَ ۱      | أَنْتِ ۱   | هُوَ ۱   |
| أَنْظُرُ ۴      | هِيَ ۱      | أَنْتِ ۱   | أَنَا ۱  |
| طَلَبْنَا ۵     | أَنْتُمَا ۱ | هُمَا ۱    | نَحْنُ ۱ |
| وَصَلَّيْتُمْ ۶ | أَنْتُمْ ۱  | هُنَّ ۱    | نَحْنُ ۱ |
| نَدِمْتُ ۷      | أَنْتِنِ ۱  | أَنْتِ ۱   | أَنْتِ ۱ |
| سَيَقْدِرُونَ ۸ | هُنَّ ۱     | أَنْتِنِ ۱ | هُم ۱    |
| قَرُبْتُ ۹      | هُوَ ۱      | هِيَ ۱     | أَنَا ۱  |
| مَا نَفَع ۱۰    | هِيَ ۱      | هُوَ ۱     | نَحْنُ ۱ |

۱۴ کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات، ناهماهنگ است؟

- |             |             |              |               |
|-------------|-------------|--------------|---------------|
| تَفَاح ۱    | زَمَان ۱    | نَار ۱       | تَمَر ۱       |
| شَهْر ۲     | عَام ۱      | سَنَةِ ۱     | لِسَان ۱      |
| بَحْر ۳     | قَمَر ۱     | شَمْس ۱      | كُوكَب ۱      |
| بَقْرَةَ ۴  | فَرَس ۱     | رِيَاضَةَ ۱  | عُرَاب ۱      |
| يَد ۵       | كُرَةَ ۱    | عَيْن ۱      | قَدَم ۱       |
| حَقِيقَةَ ۶ | طَبَاخَةَ ۱ | مُدْرَسَةَ ۱ | مُوظَّفَةَ ۱  |
| قَرْيَةَ ۷  | مَدِينَةَ ۱ | غَايَةَ ۱    | مُحَافَظَةَ ۱ |
| أَب ۸       | بَيْت ۱     | إِبْن ۱      | بِنْت ۱       |
| ظَهْر ۹     | قَطُور ۱    | عَدَاء ۱     | عَشَاء ۱      |
| أَخْرَج ۱۰  | أَخْضَرَ ۱  | أَسْوَد ۱    | أَضْغَرَ ۱    |

۱۵ هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید (دو توضیح اضافی است).

- |                    |   |   |
|--------------------|---|---|
| ۱ الضَّيْفُ        | ○ | وَقْتُ نِهَائَةِ النَّهَارِ وَ بَدَايَةِ اللَّيْلِ.                     |
| ۲ العُرَابُ        | ○ | أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.                            |
| ۳ كُرَةُ الْقَدَمِ | ○ | كِتَابٌ يَبْشُرُ بِمَعَانِي الْكَلِمَاتِ.                               |
| ۴ الغَايَةُ        | ○ | لُغَةٌ عَالَمِيَّةٌ فِي مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.           |
| ۵ الْمُطْعَمُ      | ○ | فَضْلُ الْأَزْهَارِ وَ بَدَايَةُ فُصُولِ السَّنَةِ.                     |
| ۶ الْمَسَاءُ       | ○ | مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ.                               |
| ۷ الْمَعْجَمُ      | ○ | قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ.                                 |
| ۸ الْعَرَبِيَّةُ   | ○ | مَكَانٌ لِمَخِي الْمَرْضَى.   |
| ۹ الرِّبِيْعُ      | ○ | مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْقَطُورَ وَ الْعَدَاءَ وَ الْعَشَاءَ. |
| ۱۰ الدُّمُوعُ      | ○ | هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.      |
|                    | ○ | رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدُ عَشَرَ لَاعِبًا.                       |
|                    | ○ | طَائِرٌ أَسْوَدٌ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصُّوْتِ.                    |

۱۶ برای جاهای خالی داده شده، کلمه مناسب انتخاب کنید. (دو کلمه اضافی است.)

تَذَهَّبَ - عَسَلْتُمْ - حَزَائِنٌ - بَارِدٌ - تَطْبُخَانِ - مَصَابِيحٌ - الْفِعْلُ - ذَهَبَ - ذَهَبِيهِ - الْحَجَرِ - الْقَلْبُ - عَلَيْنِكَ

- ۱ «الذَّهْرُ يُؤْمَانِ، يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ .....»  
 ۲ «أَدَبَ الْمَرْءَ خَيْرٌ مِنْ .....»  
 ۳ «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّشْرِ فِي .....»  
 ۴ «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ .....»  
 ۵ «السُّكُوتُ ..... وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ.»  
 ۶ «أَيْنَ تَذَهَبُونَ؟ ..... إِلَى مُنْظَمَةِ الْعَمَلِ.»  
 ۷ «أَأَنْتُمْ ..... مَلَابِسِكُمْ أَمْسِي؟»  
 ۸ «أَأَيْتُهَا الْبَيْتَانِ، هَلْ ..... الطَّعَامُ؟»  
 ۹ «الْعُلَمَاءُ ..... الْأَرْضِ.»  
 ۱۰ «الْعِلْمُ ..... وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ.»

۱۷ با استفاده از کلمه‌های داده شده، متضاد هر کلمه را روبه‌روی آن بنویسید.

نَهَائِيَّةٌ - كَثِيرٌ - لَيْلٌ - قَرِيبٌ - جَمِيلٌ - صَدَاقَةٌ - يَمِينٌ - غَالِيٌ - شِرَاءٌ - فَرَحٌ - أَمْسِيٌ - حَازٌ - خَيْرٌ - مَرَضٌ - صِغَرٌ - جَاهِلٌ

- ۱ قَلِيلٌ = ۲ حَزِنٌ .....  
 ۳ قَبِيحٌ = ۴ بَارِدٌ .....  
 ۵ بِنِعٌ = ۶ رَخِيصٌ .....  
 ۷ شَرٌّ = ۸ بَعِيدٌ .....  
 ۹ بَدَائِيَّةٌ = ۱۰ عَالِمٌ .....  
 ۱۱ أَلْيَوْمٌ = ۱۲ عَدَاوَةٌ .....  
 ۱۳ كَبْرٌ = ۱۴ صِحَّةٌ .....  
 ۱۵ نَهَارٌ = ۱۶ يَسَارٌ .....

۱۸ این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

كُتَابَانِ - زُمْلَاءٌ - زَوْجَةٌ - سَيِّدَاتٌ - مُدَرِّسَتَانِ - مَظْلُومُونَ - رِيَاضِيُونَ - جَرِيَانٌ - مُتُونٌ - قَلَمٌ - أَضْوَاتٌ - ذَفَاتِرٌ - آيَاتٌ - أُمَّ - خَطَابَا - مَشْرُورَةٌ - مُدِيرُونَ - إِنْسَانَانِ

مفرد	مثنی	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکثر
۱	۲	۳	۴	۵



# پاسخ نامه تشریحی

## پاسخ پرسش‌های درس اول

### پاسخ ۱

۹ گزینه الف توجه فعل‌هایی که بعد از «إِذَا، إِنْ، مَنْ، مَا» می‌آیند اگر در زبان عربی، ماضی باشند در ترجمه فارسی، مضارع ترجمه می‌شوند.

- ۱۰ گزینه ب  
۱۱ گزینه ب  
۱۲ گزینه ج

### پاسخ ۳

- ۱ فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان را آغاز کردیم.
- ۲ این اشک‌های دیده‌ام برایمان نشانه نیست؟
- ۳ هر کس (تخم) دشمنی بکارد، خسارت (و زیان) درو می‌کند.
- ۴ درمانگاه محلی برای معاینه بیماران است.
- ۵ چه کسی حدیثی پیرامون ارزش علم می‌داند؟
- ۶ ادب آدمی از طلایش بهتر است.
- ۷ دوستم! بدان که خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.
- ۸ مسلمان کسی است که مردم از زبان و دستش آسوده باشند.
- ۹ شما، دوستانتان را در سختی‌ها یاری کردید.
- ۱۰ قطعاً ما نسبت به خواندن عبارت‌ها و حکایت‌ها و متن‌های ساده عربی توانا هستیم.
- ۱۱ کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت (درختان) او را سجده می‌کنند.
- ۱۲ همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، آن‌ها را در برابرم سجده‌کنان دیدم.
- ۱۳ قطعاً خداوند هیچگاه به مردم ستم نمی‌کند اما مردم خودشان ستم می‌کنند.
- ۱۴ علم از ثروت بهتر است. علم تو را حفظ می‌کند و تو از ثروت نگاهبانی می‌کنی.

- ۱ از عبادت هفتاد سال بهتر است.
- ۲ دوستی ندارد.
- ۳ هفتم و نهم در کاظمیه (کاظمین) است.
- ۴ است که در صبح آن را می‌خوریم.
- ۵ جاری از چشم‌ها هستند.
- ۶ چیزی است برای حفظ سلامتی دندان‌ها.
- ۷ شنیدند و آن‌ها به آن عمل می‌کنند.
- ۸ نزد من است و غیب نمی‌دانم.
- ۹ به کوه می‌رویم.
- ۱۰ درها و پنجره‌ها را می‌سازی.
- ۱۱ در زبانش است.
- ۱۲ و زیبایی را دوست دارد.
- ۱۳ مگر آن‌که با عمل همراه باشد.
- ۱۴ گویی که او نادان است.
- ۱۵ جدید را آغاز کردم.
- ۱۶ سختی‌هایم را درخواست می‌کنم.
- ۱۷ شادیم را افزایش داد.
- ۱۸ است که در آن نیایش و نماز است.
- ۱۹ می‌شوند و حکیمان در آن درس می‌دهند.
- ۲۰ کلاس هفتم و هشتم را دوست دارم.

### پاسخ ۲

- ۱ گزینه ب  
۲ گزینه ب  
۳ گزینه الف  
۴ گزینه ب  
۵ گزینه الف  
۶ گزینه ج  
۷ گزینه ب  
۸ گزینه ب

پاسخ ۴

- |                      |                  |                      |                     |
|----------------------|------------------|----------------------|---------------------|
| ۱ سخت - صعب          | ۲ سال - اَعْوَام | ۵ تَطْرُقْنَ (مضارع) | ۶ اَسْمَعُ (مضارع)  |
| ۳ کیف - حَقَائِب     | ۴ گنج - كُنُوز   | ۷ اَعْمَلُ (مضارع)   | ۸ نَقُولُ (مضارع)   |
| ۵ روشنائی - اَنْوَار | ۶ کار - اُمُور   | ۹ يَقُولُ (مضارع)    | ۱۰ سَأَلْنَا (ماضی) |

پاسخ ۹

- |                              |               |            |            |
|------------------------------|---------------|------------|------------|
| ۱ نیاز - خَوَائِج            | ۲ خواهم پخت   | ۱ نَضْبِرُ | ۲ تَعِشْنَ |
| ۷ نیاز - خَوَائِج            | ۳ می شناسیم   | ۳ اَكَلْتُ | ۴ فَتَحْتُ |
| ۹ برادر - اِخْوَان و اِخْوَة | ۴ آیا فهمیدی؟ | ۵ اَمْرًا  | ۶ قَدَرْنَ |

پاسخ ۵

- |             |               |               |             |
|-------------|---------------|---------------|-------------|
| ۱ می نویسی  | ۲ خواهم پخت   | ۷ تَرْفَعُونَ | ۸ شاهدَتُما |
| ۳ می شناسیم | ۴ آیا فهمیدی؟ | ۹ حَضَرَتِ    | ۱۰ قَبِلَ   |
| ۵ نیامد     |               |               |             |

پاسخ ۱۰

- |            |          |   |
|------------|----------|---|
| ۱ حَقِيبَة | ۲ سَمَاء | ۶ نمی آید - نمی آیی <b>توجه</b> « این فعل هم می تواند مفرد مؤنث غایب باشد و هم مفرد مذکر مخاطب. |
|------------|----------|---|

- |          |       |                |
|----------|-------|----------------|
| ۳ لِسَان | ۴ نار | ۷ اجازه می دهد |
|----------|-------|----------------|

- |       |           |   |
|-------|-----------|---|
| ۵ يَد | ۶ شَجَرَة | ۸ آیا راست می گوید؟ - آیا راست می گویی؟ |
|-------|-----------|---|

پاسخ ۱۱

- |            |            |                   |
|------------|------------|-------------------|
| ۱ يَلْعَبُ | ۲ تَقْرَأُ | ۹ بازی خواهید کرد |
|------------|------------|-------------------|

- |            |            |           |
|------------|------------|-----------|
| ۳ يَضْحَكُ | ۴ يَشْرَبُ | ۱۰ خریدید |
|------------|------------|-----------|

- |            |            |  |
|------------|------------|--|
| ۵ تَأْكُلُ | ۶ يَضِعْدُ |  |
|------------|------------|--|

پاسخ ۱۲

- |  |  |                     |                     |
|--|--|---------------------|---------------------|
| ۱ اِثْنَانِ - اَرْبَعَة - سِتَّة - ثَمَانِيَة - عَشْرَة - اِثْنَا عَشَرَ | ۲ اَلثَّانِي - اَلرَّابِع - اَلخَامِس - اَلسَّابِع - اَلتَّاسِع - اَلْعَاشِر - اَلثَّانِي عَشَرَ | ۶ اَنْتُمْ - اَنْتِ | ۷ اَنْتُمْ - اَنْتِ |
|--|--|---------------------|---------------------|

- |   |  |                           |                        |
|---|--|---------------------------|------------------------|
| ۳ اَلْاَحَد - اَلثَّلَاثَة - اَلخَمِيْس | ۴ اَلرَّبِيع - اَلخَرِيْف - اَلشِّتَاء | ۹ تَعْرِفُ - تَعْرِفِيْنَ | ۱۰ تَكْذِبُ - يَكْذِبُ |
|---|--|---------------------------|------------------------|

- |                         |   |  |  |
|-------------------------|---|--|--|
| ۵ اَلغَدَاء - اَلعِشَاء | ۶ هُمَا - هِي - هُمَا - اَنْتُمْما - اَنْتِ - اَنْتُنَّ - اَنَا |  |  |
|-------------------------|---|--|--|

- |   |   |  |  |
|---|---|--|--|
| ۷ هُمْ - هَا - كَمَا - كُمْ - كَمَا - نَا | ۸ يَغْلَمَانِ - يَغْلَمَانِ - يَغْلَمَانِ - يَغْلَمَانِ - تَغْلَمَانِ - تَغْلَمَانِ - |  |  |
|---|---|--|--|

- |            |  |  |  |
|------------|--|--|--|
| ۹ اَعْلَمُ |  |  |  |
|------------|--|--|--|

پاسخ ۱۳

- |          |          |            |         |
|----------|----------|------------|---------|
| ۱ اَنْتِ | ۲ نَحْنُ | ۶ اَنْتُمْ | ۸ هُنَّ |
|----------|----------|------------|---------|

- |       |         |          |         |
|-------|---------|----------|---------|
| ۳ هِي | ۴ اَنَا | ۷ اَنْتِ | ۸ هُنَّ |
|-------|---------|----------|---------|

- |         |            |          |         |
|---------|------------|----------|---------|
| ۵ هُمَا | ۶ اَنْتُمْ | ۷ اَنْتِ | ۸ هُنَّ |
|---------|------------|----------|---------|

- |       |         |          |         |
|-------|---------|----------|---------|
| ۹ هِي | ۱۰ هُوَ | ۷ اَنْتِ | ۸ هُنَّ |
|-------|---------|----------|---------|

پاسخ ۸

- |                        |                      |                      |                    |
|------------------------|----------------------|----------------------|--------------------|
| ۱ تَجَمَّعُونَ (مضارع) | ۲ تَفْذِفْنَ (مضارع) | ۳ جَعَلْتُنَّ (ماضی) | ۴ اَعْرِفُ (مضارع) |
|------------------------|----------------------|----------------------|--------------------|





پاسخ ۱۴

- ۱ نار
- ۲ لسان
- ۳ بحر
- ۴ ریاضة
- ۵ كُرة
- ۶ حقیبة
- ۷ غایة
- ۸ بیت
- ۹ ظُهر
- ۱۰ اصغر

پاسخ ۱۵

- ۱ هُو الَّذِي ...
- ۲ طائرٌ اسودٌ ...
- ۳ ریاضةٌ یَلْعَبُ ...
- ۴ اَرْضٌ واسعةٌ ...
- ۵ مكانٌ یَأْكُلُ ...
- ۶ وقتٌ نهاییةٌ ...
- ۷ كتابٌ یَشْرَحُ ...
- ۸ لُغَةٌ عالمیةٌ ...
- ۹ فَصْلُ الأزهارِ ...
- ۱۰ قَطراتٌ جاریةٌ ...

پاسخ ۱۶

- ۱ عَلَیْكَ
- ۲ ذَهَبِ
- ۳ اَلْحَجَرِ
- ۴ اَلْفِعْلِ
- ۵ ذَهَبٌ
- ۶ نَذْهَبُ

۷ غَسَلْتُمْ

۹ مَصَابِیح

پاسخ ۱۷

۸ تَطْبُخَان

۱۰ خَزَائِن

۲ قَرِخ

۴ حَاز

۶ غَالِي

۸ قَرِيب

۱۰ جَاهِل

۱۲ صَدَاقَة

۱۴ مَرَض

۱۶ یَمِین

۱ کثیر

۳ جمیل

۵ شِراء

۷ خَیر

۹ نِهایة

۱۱ اَمْسِ

۱۳ صِغَر

۱۵ لَیل

پاسخ ۱۸

۱ زَوْجَة - جَرِیان - قَلَم - اُم - مَسرورَة

۲ کتابانِ - مُدَرِّسانِ - اِنسانانِ

۳ مَظلومونَ - ریاضیونَ - مُدیرونَ

۴ سَیِّدات - آیات

۵ زُمَّلاء - مُتون - اَضوات - دَفاتِر - حَطایا

پاسخ پرسش‌های درس دوم

پاسخ ۱

- ۱ بازگشت - ناراحت
- ۲ چرا - غذا
- ۳ باهوش - آرام
- ۴ بستری شد - تصادف کرد
- ۵ ناگهان - چپ

پاسخ ۲

- ۱ ایمان نمی‌آورند
- ۲ اندرزگوتر - اندرزگوترین
- ۳ بستری می‌شوید
- ۴ گریه کردن
- ۵ نپوشاندم
- ۶ آرام‌ها
- ۷ بدبختی
- ۸ دیواری
- ۹ صدا کردید
- ۱۰ برخورد می‌کنم

پاسخ ۳

- ۱ نزدیک شد و به او برخورد کرد.
- ۲ کم بود.
- ۳ دانش‌آموزانش خواندن قوانین راهنمایی و رانندگی را خواست.

۴ علامت‌های ضروری را برای دانش‌آموزان شرح داد.

۵ را نوشتند و در آن علامت‌های راهنمایی و رانندگی را کشیدند.

پاسخ ۴

۱ هر کس به خدا و روز آخرت ایمان بیاورد و عمل شایسته انجام دهد پس پاداششان را نزد پروردگارشان دارند.

**توجه** بعد از کلمات شرط مانند (مَنْ: هر کس / اِذَا: هر وقت / ما:

هر چه) اگر فعل ماضی آمده باشد، بهتر است در ترجمه، مضارع برگردان شوند.

۲ هر وقت بندگانم در مورد من از تو می‌پرسند پس قطعاً من نزدیک (آنان) هستم.

۳ خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند بالا می‌برد.

۴ هان، قطعاً دوستداران خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.

۵ تنها مؤمنان، برادر هستند.